

آرزو در اسلام

جمال فرزندوحی*

استادیار دانشگاه رازی، کرمانشاه

فاطمه سهرابیان**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی، کرمانشاه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۰۹)

چکیده

خداوند به مدد ابزارهای وجودی که در اختیار انسان قرار داده، از انسان با «تعالوا» دعوت می‌کند. چنانچه انسان از قوه وهم و خیال گذر کند و رتبه وجودی خویش را به عقل، مزین و متعالی نماید، با تکیه بر امید مطلوب که از آن به رحمت الهی تعبیر شده است، پویا و متوکل، راه تعالی را در پیش می‌گیرد و به دعوت خداوند لبیک می‌گوید. گرچه آرزو و امید، ودیعه‌های الهی در ضمیر انسان‌هاست، اما آرزوهای واهی که بدون پشتوانه عقل و عمل، انسان را به خود مشغول می‌کنند، نتیجه‌ای جز حسرت و خسران ابدی در پی نخواهند داشت. در این مقاله، پس از بررسی معنای لغوی آرزو و امید، به ذکر آیات و احادیثی که انواع آرزو را بیان فرموده، نیز افرادی که آرزوی آنها در قرآن آمده، پرداخته شده است. ضمن پرداختن به آثار و نتایج آرزوهای مذموم و بیان آرزوهای برتر، انواع متعلق آرزو و آیات مربوط به هر یک ذکر شده است. در این تحقیق، ابزار مورد استفاده نشریات، کتب و اینترنت می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، آرزو، امید، امل، تمنی، اسلام.

* E-mail: farzandwahy@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: rs5961@yahoo.com

مقدمه

آرزو رسیدن به چیزی است که فرد آن را ندارد و داشتن آن را مایهٔ رشد خود می‌داند و مصمم در به دست آوردن آن است. اگر آرزو با تلاش و پشتکار همراه نباشد، انسان را از واقعیت دور می‌کند و به توهم می‌کشاند و ذهن را اسیر و آشفته خود می‌کند و فقط وعده‌ای دروغین برای به تأخیر انداختن می‌گردد. پیامبر اکرم (ص) از این امر به عنوان «تسویف» یاد فرموده‌اند: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ بِأَمْلِكِ فَإِنَّكَ بِيَوْمِكَ وَ لَسْتَ بِمَا بَعْدَهُ فَإِنْ يَكُنْ غَدٌ لَكَ فَكُنْ فِي الْغَدِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ غَدٌ لَكَ لَمْ تَنْدِمْ عَلَى مَا فَرَّطْتَ فِي الْيَوْمِ. يَا أَبَا ذَرٍّ كَمْ مِنْ مُسْتَقْبَلٍ يَوْمًا لَا يَسْتَكْمِلُهُ وَ مُنْتَظَرٍ غَدًا لَا يَبْلُغُهُ؛ پیامبر (ص) فرمود: ای ابوذر! بپرهیز از امروز و فردا کردن و تأخیر در انجام آرزوهایت. تو مسئول امروز خود هستی. اگر فردا هم زنده ماندی، همان گونه باش که دیروز بودی و اگر فردا زنده نبودی، پشیمان نیستی که چرا امروز کوتاهی کردی. ای ابوذر! چه بسیار افرادی که صبح زنده بودند، اما آن روز را کامل نکردند و چه بسیار افرادی که منتظر فردا بودند، اما هیچ وقت آن را درک نکردند. ای ابوذر! به نحوی عمل کن که اگر فردایی در کار نبود، پشیمان نشوی و نگوئی ای کاش فلان عبادت را دیروز انجام می‌دادم. فلان کار خیر را انجام می‌دادم. ای کاش، فلانی را اذیت نمی‌کردم. حضرت در اینجا آرزو را به عنوان مثال ذکر می‌کنند و در حقیقت، به انسان‌ها می‌فرمایند در زندگی تأمل کنید» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۶). از جمله موضوع‌های گریبانگیر انسان، موضوع آرزومندی و آرزواندیشی است که در حوزهٔ روانشناسی، اجتماعی و دینی قابل بررسی است. در مباحث ارائه شده، در چند بخش بدین رویکرد پرداخته می‌شود:

- منظور از آرزو چیست؟

- دیدگاه قرآن و سنت دربارهٔ آرزو و آرزومندی چیست؟

- تفاوت آرزواندیشی با آرزومندی چیست؟

۱- معنای آرزو در لغت و اصطلاح

دهخدا در معنای آرزو می‌نویسد: «شهوة، اشتها، قوت جذب ملایم، هوی، هوا...» (دهخدا، ۱۳۶۴، ج ۲: ۷۱) و ذیل معنای امید چنین می‌گوید: «آرزو، رجاء، امل، آرمان» (همان، ج ۸: ۲۲۲).

میان امید و آرزو این شباهت وجود دارد که در هر دو چشمداشت به چیزی است، اما تفاوت‌های بین آن دو از این قرار است:

- آرزو به گذشته و آینده تعلق می‌گیرد، اما امید فقط در مورد آینده معنا پیدا می‌کند.
- آرزو هم در امور ممکن و هم غیرممکن به کار می‌رود، اما امید فقط در مورد امور ممکن مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- شدت خواهش در آرزو بیش از امید است. از این رو، آرزو با «شهوت» و «اشتهاء» مترادف دانسته شده است.

- در زبان عربی مترادف آرزو کلمات «أَمْنِيَّة»، «أَمَل» و مشتقات آنها است (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۳)، اما مترادف امید، «رَجَاء» می‌باشد (ر.ک؛ همان، ج ۲: ۶۳).

آرزو در اصطلاح عبارت است از خواهش یا چشمداشت و میل قلبی شدید برای وقوع امری در گذشته یا آینده که تحقق آن سخت یا ناشدنی است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۶۲). همین معنای آرزو در تحقیق حاضر مد نظر است.

آرزو در قرآن و روایات با واژه‌هایی چون «أَمَانِي، أَمَل، تَمَنَّى، لَيْت، وَدَّوْا لَوْ ...» ذکر شده است:

- «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (البقره/۷۸).
- «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا» (الكهف/۴۶).

- «أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى» (النجم/۲۴).

- «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ» (الزخرف/۳۸).
- «إِنْ يَنْقُضْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءٌ وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» (المتحنه/۲).

در اسلام، امید و آرزو جایگاه رفیعی دارد تا جایی که در روایات معصومین از امید به عنوان رحمت الهی یاد شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضِعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا غَرْسٌ غَارِسٌ شَجَرَهَا» (ری شهری، ۷۹، ۱: ۱۸۴)؛ امید و آرزو، رحمت برای امت من است و اگر امید و آرزو نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت.

۳- اقسام آرزو

به طور کلی آرزو را می‌توان از جنبه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد:

۳-۱) از حیث ارزشی (حَسَن و قَبِيح)

میزان ارزش هر موضوع با اهدافی که برای آن منظور شده، تعیین می‌شود. اهداف متعالی، محصول موضوع‌های ارزشی و اهداف بی‌مایه نتیجه موضوع‌های ضد ارزشی و یابی ارزش است. نوع آرزوهای بشری نیز از این قاعده مستثنی نیست و می‌تواند مطلوب و مفید یا مذموم و بی‌فایده باشد.

۳-۱-۱) آرزوی مفید از دیدگاه قرآن و احادیث

آرزو از حیث ارزشی به آرزوی صادق و کاذب یا حَسَن و قَبِيح قابل تقسیم است. اگر آرزوها متوجه ارزش‌های والای انسانی باشد، یا جنبه مردمی و اجتماعی پیدا کند و در مسیر تکامل و پیشرفت واقعی انسان‌ها و درجات کمال قرار گیرد و انسان را به تلاش و کوشش بیشتر وادارد، نشانه کمال انسان است. آرزوها و خواسته‌های قرآنی اغلب به شکل دعا از زبان مؤمنان و بندگان صالح خداوند بیان شده است. در بین آیاتی که دعا‌های انبیا را حکایت کرده، می‌توان نشانی از آرزوهای آرمانی آنان را جست که البته این آیات به واقع می‌تواند گامی در جهت اصلاح خواسته‌ها و آرزوهای مردم و جهت دادن آنان به آرمان‌های برتر در زندگی باشد. قرآن از قول حضرت ابراهیم چنین می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ...﴾ (البقره / ۱۲۸)؛ «ای پروردگار ما! ما را تسلیم خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم تو باشند، پدید آور». البته فقط ویژه انبیا هم نیست؛ چنان‌که آیه ۱۹۳ آل عمران درخواست مرگ با ابرار و محشور شدن در زمره آنان را از ویژگی‌های اولی‌الالباب شمرده است: ﴿...وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾ (آل عمران / ۱۹۳). آیه ۱۰ حشر نیز به مؤمنان می‌آموزد که خواسته و آرزوشان را در جهت بنا نهادن جامعه‌ای بر اساس رأفت و رحمت میان برادران ایمانی و خالی از هر گونه کینه و دشمنی قرار دهند: ﴿... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (الحشر / ۱۰). از دیگر آرزوهای ممدوح که قرآن به آن اشاره دارد، «نیکی‌های ماندگار» است. قرآن مال و پسران را زیور زندگی دنیا می‌داند که شایستگی آن را ندارند تا متعلق آرزوی

آدمی قرار گیرند و می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» (الکھف/۴۶). در اسلام همت انسان نیز به اندازه آرزوهای مثبت اوست. هر قدر دامنه آنها گسترده‌تر باشد، همت او والاتر است. از روایات اسلامی چنین برمی‌آید که خداوند به مقدار آرزوها به افراد با ایمان اجر و پاداش می‌دهد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۸۷، ۲: ۸۹). امام علی (ع) درباره بهترین آرزو چنین می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْوَصْفِ الْجَمِيلِ وَالتَّعْدَادِ الْكَثِيرِ إِنْ تَوَمَّلَ فَخَيْرٌ مَأْمُولٍ وَإِنْ تُرْجَ فَخَيْرٌ مَرْجُوٍّ. خدایا! تو سزاوار ستایش زیبا و شمارش نعمت‌های بی‌پایانی. اگر مورد آرزو قرار گیری، بهترین آرزوشده‌ای و اگر به تو امید بسته شود، بهترین کسی هستی که به او امید بسته می‌شود» (نهج/البلاغه / خ ۹۱).

امید بستن به آنچه که در نزد خدای متعال است، از بزرگترین توفیق‌های انسانی و بهترین آرزوهاست؛ زیرا فقط آنچه نزد اوست، باقی و غیر او فانی است. گرچه مال و فرزند زینت زندگی دنیاست، اما اعمال صالح همچون نماز، روزه، ذکر، صدقات و غیره که زینت سفر آخرت و تا ابد ماندگارند، نیکوترین آرزوهاست. آنچه ابدی و جاودان است، نزد خداست. انسان می‌خواهد یاد و نامش همواره جاودان بماند. پس باید به سوی خدای هستی‌بخش صعود نماید و از هر چه غیر اوست، ببرد؛ زیرا غیر او نابودشدنی و محکوم به نیستی است. امید به رحمت الهی و حرکت برای رسیدن به او ارزشی بس والا دارد، چنان‌که از فرمایش امام حسن عسکری (ع) به دست می‌آید که می‌فرماید: «إِذَا تَوَجَّهَ الْمُؤْمِنُ إِلَى مَصَلَاةٍ لِيُصَلِّيَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي أَلَا تَرَوْنَ إِلَيَّ عَبْدِي هَذَا قَدْ انْقَطَعَ عَنِ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ إِلَيَّ وَ أَمَلَ رَحْمَتِي وَ جُودِي وَ رَأْفَتِي: زمانی که نمازگزار برای نماز به سوی مکان نمازش توجه کند، خداوند بلندمرتبه به ملائکه خود می‌فرماید: ای فرشتگان من! آیا نمی‌بینید بنده‌ام را که به تحقیق از همه خلائق به سوی من بریده و به رحمت، بخشش و مهربانی من امیدوار است؟!» (طبرسی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۷۷).

از سوی دیگر، در بسیاری از سخنان بزرگان آمده که بزرگترین آرزوی شیعیان باید وصال یار و دیدار دوست باشد و آن جز امید رسیدن به زمان موعود و ظهور او نمی‌باشد. شهید مطهری (ره) در این باره می‌گوید: «امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی — انسانی، در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده است (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۳: ۶).

۳-۱-۲) آرزوهای مذموم از دیدگاه قرآن و حدیث

۳-۱-۲-۱) آرزوهای نامعقول

قرآن کریم با ذکر نمونه‌هایی از آرزوهای نامعقول آنها را مورد انتقاد قرار می‌دهد:

* آرزوی رهایی از عملی که در گرو آن است:

- ﴿...وَمَا عَمِلْتَ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا...﴾ و آرزو می‌کند میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد ﴿(آل عمران/۳۰)﴾.

- ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ﴾ تا زمانی که (در قیامت) نزد ما حاضر شود، می‌گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود، چه بدهمنشینی بودی! ﴿(الزخرف/۳۸)﴾.

- ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ ای کاش خاک بودم ﴿(النبا/۴۰)﴾.

- ﴿...يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيه...﴾ ای کاش هرگز نامه اعمال مرا به من نمی‌دادند ﴿(الحاقة/۲۶)﴾.

* تمایل به برتری بر دیگران:

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا...﴾ (آری)، این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند... ﴿(القصص/۸۳)﴾.

می‌توان گفت از گویاترین سخنان قرآن در این زمینه آیاتی است که پیرامون انسان خیال‌زده سخن می‌گوید و او را به خاطر رها کردن عقل و حرکت بر محور تخیل و خیال نکوهش می‌فرماید؛ زیرا هیچ یک از عقیده و سخنان چنین کسی بر اساس برهان و عقل نیست. از این رو، آنچه در بیداری می‌بیند و واقعیت می‌پندارد، از شمار خوابهای آشفته و پریشانی است که در ادبیات قرآن به اضغاث احلام تعبیر می‌شود (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۴۸). امام علی (ع) می‌فرماید: «رَغَبْتُكَ فِي الْمُسْتَحِيلِ جَهْلٌ» داشتن آرزوی محال، نشان نادانی است «(آمدی، ۱۳۸۴: ح ۱۳۶۴)». از آنجا که وهم و خیال جزو ابزارهای عقل هستند و از تنزلات و تجلیات آن به‌شمار می‌روند و عقل مباحث

کلی را درک می‌کند، درحالی که درک جزئیات به عهدهٔ وهم و خیال است. لذا در عوالم عقل، پشیمانی نیست و عقل، منزّه از خطاهای وهم و خیال است. از اینجاست که خداوند در بسیاری از آیات قرآن، انسان‌ها را به تعقل فرامی‌خواند و به سوی حیات طیّبه در سایهٔ عقل و دین دعوت می‌فرماید (برای نمونه، النحل/۹۷).

آنان که در دام آرزوهای کاذب افتاده‌اند، در مسیر حرکت به سوی مدارج والای انسانی توقّف یا سیر قهقرایی داشته‌اند و به گفتهٔ قرآن تمام همّ خود را به لهو و لعب و تفاخر و تکاثر معطوف کرده‌اند: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ... بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است﴾ (الحديد / ۲۰).

در آیهٔ سوم سورهٔ مبارکهٔ حجر آمده است: ﴿ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ بگذار آنها بخورند و بهره گیرند و آرزوها آنان را غافل سازد، ولی به زودی خواهند فهمید! ﴿(الحجر/۳)﴾

بخش اوّل از مقولهٔ عمل «يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا» و بخش دوم از مقولهٔ اعتقاد «يلْهِمُ الْأَمَلُ» است. در قسمت نخست خداوند خوردن و بهره‌وری افراطی را تقبیح می‌فرماید، اما کافران تمام همّ خود را دنیا و بهره‌های مادی از آن می‌دانند. اینان چون حیواناتی هستند که جز اصطبل و علف و لذّت مادی چیزی نمی‌فهمند و هر حرکتی که دارند، برای همین چیزهاست (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۵۷، ۸۶). خداوند اهتمام به خوردن در میان کافران را به خوردن انعام تشبیه فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ﴾ (محمّد / ۱۲)، چراکه با نگاهی به رفتار حیوانات بارزترین ویژگی آنان خوردن است. گویی در دنیا وظیفه‌ای جز آن ندارند، اما انسان ندا شده است به ندای ﴿تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ...﴾ (آل عمران/ ۶۴)؛ یعنی انسان اشرف از آن است که در جایگاه حیوان دچار رکود گردد. در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...﴾ (النساء/ ۲۹). اینها همه هشدارهای خداوند به بندگان است که برای هلاک یا حیات آنان بینة وجود داشته باشد: ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ...﴾ (الأنفال / ۴۲)، تا آنها که گمراه می‌شوند، از روی اتمام حجت باشد و آنان که هدایت می‌یابند، از روی دلیل روشن باشد. بخش عملی آیه چه ارتباطی با بخش اعتقادی آن دارد؟! خداوند در احوال این انسان‌ها می‌فرماید:

﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا...﴾ روزی که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می‌بیند و آرزو می‌کند میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد ﴿(آل عمران ۳۰)﴾.

آرزو و میل به دور بودن اعمال گواهی بر نهایت نزدیکی آنان با اعمال ایشان است. این شبهه که عمل در دنیا نابود می‌شود و احضار آن ممکن نیست و ناگزیر پاداش عمل یا نامه عمل دیده می‌شود، ناتمام است؛ زیرا روح عمل یعنی اهداف و نیت‌ها در روح آدمی محفوظ است و هرگز نابود نمی‌شود. آنچه نابود می‌شود، بدنه عمل است که نقشی ندارد. «آمد بعید» فاصله دور زمانی است و آرزوی وجود «آمد بعید» میان شخص و کار بد او ظهور «تسویف» یعنی کار امروز را به فردا انداختن است که در دنیا به آن مبتلا بودند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱۳: ۶۹۲). نگاه امیدوارانه با تلاش و فعالیت توأم است، در حالی که واگذار کردن کارها به آینده، رخوت و سستی به دنبال دارد و گاهی افراد فقط در اوهام خود هستند. به نظر روانشناسان، این نوعی بیماری یا مقدمه بیماری روانی است، چنان‌که می‌گویند: «اگر قرار باشد که به زمان حاضر توجه نشود و از فرصت‌هایی که برای شخص فراهم می‌شود، استفاده نگردد، می‌فهمیم که شخص می‌خواهد از زندگی حقیقی و زمان خودش فرار کند. روانشناس به خوبی می‌داند که این مطالب با حقیقت متفق نیست و جز است

دلال غیرمنطقی چیز دیگری نیست. این نوع تفکر راجع به آینده، مضر می‌باشد» (موسوی لاری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۸۶). مولوی می‌گوید:

«هین مگو فردا که فرداها گذشت تا به کَلّی نگذرد اِیام کشت»
(مولوی، ۱۳۸۵، دفتر دوم: ب ۱۳۹۴).

امام علی، علیه‌السلام، آرزوهای کاذب را به سراب و آب‌نمایی تشبیه فرموده که تشنه‌کامان را به دنبال خود می‌کشاند، ولی هر لحظه آنها را تشنه‌تر می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۴۳۸). در جای دیگر می‌فرماید: «كَذَّبَ مَنْ ادَّعَى الْإِيمَانَ وَهُوَ مُشْغُوفٌ مِنَ الدُّنْيَا بِخُدْعِ الْأَمَانِيِّ وَزُورِ الْمَلَاهِي: دروغ می‌گوید آن که ادعای ایمان کند، اما دل‌بسته آرزوهای فریبنده و سرگرمی‌های دروغین دنیاست» (همان، ج ۱: ۱۱۱).

۳-۱-۲-۲) آرزوهای نامتعادل

اگر امید و آرزو از حد اعتدال خارج شود و رنگ افراط به خود بگیرد، مفسد جبران ناپذیری به دنبال خواهد داشت. قرآن کریم نمونه‌ای از این آفات را در قالب داستان قارون چنین متذکر می‌شود: ﴿يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ...﴾ (القصص/۷۹). بارها خداوند با جملات ﴿لَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ﴾ (التوبة/ ۵۵ و ۸۵) و ﴿وَلَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ﴾ (الحجر/ ۸۸ و طه/ ۱۳۱)، مؤمنان را از نگاه آرزومندانه به سرمایه‌داران و مردم مرقه بازداشته است. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَا لَكُمْ تَوَلَّوْنَ مَا لَا تَدْرِكُونَهُ وَ تَجْمَعُونَ مَا لَا تَأْكُلُونَهُ وَ تَبْنُونَ مَا لَا تَسْكُنُونَهُ؟ شما را چه شده است که چیزی را آرزو می‌کنید که به آن نمی‌رسید و چیزی را گرد می‌آورید که نمی‌خورید؟ و چیزی را بنا می‌کنید که در آن سکونت نمی‌کنید؟» (آمدی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۰۳).

گرچه آرزو مایه حیات و حرکت است، اما اگر از حد متعارف بگذرد و به صورت آرزوی دور و دراز درآید، بدترین عامل انحراف و بدبختی است. در حدیث معروف امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «إِنَّمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: اتِّبَاعَ الْهَوَى وَ طَوْلَ الْأَمَلِ. أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيَنْسِي الْآخِرَةَ» (بهج/البلاغه/ خ ۴۲)؛ یعنی من بر شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی از هوس و آرزوی دراز؛ زیرا پیروی هوس، از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد می‌برد.

پیامبر خدا(ص) نیز می‌فرماید: «مَثَلُ الْإِنْسَانِ وَ الْأَمَلِ وَ الْأَجَلِ فَمَثَلُ الْأَجَلِ إِلَى جَانِبِهِ وَ الْأَمَلُ أَمَامَهُ فَبَيْنَمَا هُوَ يَطْلُبُ الْأَمَلَ أَمَامَهُ أَتَاهُ الْأَجَلُ فَأَخْتَلَجَهُ: حکایت انسان، آرزو و اجل چنان است که اجل در کنار اوست و آرزو پیشاپیش او، در حالی که آرزو را پیش روی خود دنبال می‌کند ناگاه اجل فرا می‌رسد و او را درمی‌رباید» (ر.ک؛ المتقی الهندی، ج ۳: ۴۹۴؛ ح ۷۵۷۴). به راستی چه افراد شایسته و با استعداد و لایق که بر اثر گرفتاری در دام آرزوی دراز به موجودات ضعیف و مسخ‌شده‌ای مبتل گشتند که نه تنها به درد جامعه خود نخوردند، بلکه منافع شخصی خود را نیز پایمال کردند و از هر گونه تکامل بازماندند، چنان‌که در دعای کمیل می‌خوانیم: «وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي: آرزوهای دراز مرا از منافع واقعی‌ام محروم ساخت» (حیدری نراقی، ۱۳۸۷: ۶۰۸).

در سوره مبارکه فرقان آرزوی کافران با کلمه «لَيْتَنِي» بیان شده است. آیات ۲۱ تا ۳۱ این سوره وصف حسرتی است که در مواجهه با حقیقت اعمال خویش دچار آن می‌شوند و دو دست خویش به دندان می‌گیرند. به همین دلیل، در چنین مواقعی آرزو می‌کند: ای کاش فلان کار که در

اثر فوت او به چنین روزی دچار شدم، از من فوت نمی‌شد. از تعبیرات لطیف قرآن، یکی تعبیر ﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ (الفرقان/ ۲۷) و دیگری تعبیر ﴿يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا﴾ (همان/ ۲۸) است. در این تعبیرها در ندا و استغاثه، تدرجی لطیف به کار رفته است. در آیه اول منادی حذف شده است و اشاره به این دارد که او نجات‌دهنده‌ای می‌خواهد که او را نجات دهد و آوردن کلمه «وَيْل» می‌فهماند که برای او روشن شده که دیگر کسی نیست که او را از عذاب نجات دهد و جز هلاکت و فنا دادرسی ندارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۵، ۲۸۱/۷۶).

در نشئه آخرت که ﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ...﴾ (الفرقان/ ۲۶) است. ملک‌ها و ملک‌های اعتباری رخت برمی‌بندد و تنها ملک و ملک حقیقی ظهور می‌کند و انسان هر تلاشی که در جهت غیرترقی و رشد درونی خویش کرده است، سرابی بیش نبوده است و ثمره واقعی اعمال آنان جز حسرت نیست، چراکه بر اساس ﴿وَالْوِزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ...﴾ (الأعراف/ ۸) اعمال باطل و حبط شده دارای وزن و ارزشی نمی‌باشند، لذا آن میزانی که در قیامت اعمال با آن سنجیده می‌شود، همانا حق است. به این معنا که هر قدر عمل مشتمل بر حق باشد، به همان اندازه اعتبار و وزن دارد و چون اعمال نیک مشتمل بر حق است، از این رو، دارای ثقل و سنگینی می‌باشند و بر عکس، عمل بد و سیئه چون مشتمل بر هیچ حقی نیست و باطل صرف می‌باشد. لذا دارای وزن و اعتبار نیست و وزن هر عمل به مقدار حقی است که در آن وجود دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۶، ج ۸: ۱۱)، اما امور دنیوی فانی و مصادق ﴿هَبَاءٌ مَّنْثُورًا﴾ (الفرقان/ ۲۳) هستند.

۳-۲-۱-۳) آرزو بدون عمل

از آنجا که انسان برای رسیدن به آرزوهایش در تکاپوست، گاهی چنان درگیر آرزوهاست که حتی بدون عمل منتظر نتیجه می‌شود: ﴿...يُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا﴾: دوست دارند به آنچه که انجام نداده‌اند، ستایش شوند ﴿(آل عمران / ۱۸۸). امام علی، علیه‌السلام، می‌فرماید: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُوا الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ: از کسانی مباش که بدون عمل به آخرت امیدوار است» (نهج/البلاغه / ح ۱۴۲).

اگر انسان انتظار و امید چیزی را دارد، باید خود را برای استقبال از آن آماده کند. کسی که ادعا می‌کند، انتظار چیزی دارد و اثری در عمل او نمایان نیست، در واقع، به ادعای دروغینی دست زده است. شخصی از امام علی (ع) درخواست اندرز کرد و آن حضرت فرمود: «از کسانی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازد. در دنیا چونان زاهدان سخن می‌گوید، اما در رفتار همانند دنیاپرستان است. اگر نعمت‌ها به او برسد، سیر نمی‌شود و در محرومیت، قناعت ندارد. از آنچه به او رسید، شکرگزار نیست و از آنچه مانده، زیاده‌طلب است. دیگران را پرهیز می‌دهد، اما خود پروا ندارد. به فرمانبرداری امر می‌کند، اما خود فرمان نمی‌برد. نیکوکاران را دوست دارد، اما رفتارشان را ندارد. گناهکاران را دشمن دارد، اما خود یکی از گناهکاران است و با گناهان فراوان، مرگ را دوست نمی‌دارد، اما در آنچه که مرگ را ناخوشایند ساخت، پافشاری دارد. اگر بیمار شود، پشیمان می‌شود و اگر مصیبتی به او رسد، به زاری خدا را می‌خواند. اگر به گشایش دست یافت، مغرورانه از خدا روی برمی‌گرداند. نفس به نیروی گمان ناروا بر او چیرگی دارد و او با قدرت یقین، بر نفس چیره نمی‌گردد. برای دیگران که گناهی کمتر از او دارند، نگران و بیش از آنچه که عمل کرده است، امیدوار است. اگر بی‌نیاز گردد، مست و مغرور شود و اگر تهی دست گردد، مأیوس و سست شود. چون کار کند، در آن کوتاهی ورزد و چون چیزی خواهد، زیاده‌روی نماید. هنگامی که در برابر شهوت قرار گیرد، گناه را برگزیده، توبه را به تأخیر اندازد. چون رنجی به او رسد، از راه ملت اسلام دوری گزیند. عبرت‌آموزی را طرح می‌کند، اما خود عبرت نمی‌گیرد. در پند دادن مبالغه می‌کند، اما خود پندپذیر نمی‌باشد. سخن بسیار می‌گوید، اما کردار خوب او اندک است. برای دنیای زودگذر تلاش و رقابت دارد، اما برای آخرت جاویدان، آسان می‌گذرد. سود را زیان و زیان را سود می‌پندارد. از مرگ هراسناک است، اما فرصت را از دست می‌دهد. گناه دیگران را بزرگ می‌شمارد، اما گناهان بزرگ خود را کوچک می‌پندارد. با طاعت خود ریاکارانه برخورد می‌کند. خوشگذرانی با سرمایه‌داران را بیشتر از یاد خدا با مستمندان دوست دارد. به نفع خود و بر زیان دیگران حکم می‌کند، اما هرگز به نفع دیگران بر زیان خود حکم نخواهد کرد» (همان/ ح ۱۵۰).

وقتی از امام صادق (ع) در رابطه با مردمی که آلوده به انواع گناهان هستند و در عین این آلودگی می‌گویند به رحمت و مغفرت و عفو خداوند امیدواریم، سؤال شد، حضرت فرمودند: «اینان مردمی هستند گرفتار آرزو، نه آراسته به امید. کسی که به چیزی امید دارد، برای به دست آوردنش

اقدام لازم را انجام می‌دهد و آن که از چیزی می‌ترسد، از آن دوری می‌نماید» (کلینی، ۷۵، ۳/۱۷۶).

اگر سالک مقدمات رسیدن به رحمت خاص را فراهم نکرده باشد، در حقیقت سالک نیست و فقط تمنّی دارد؛ یعنی آرزوی رحمت را در دل می‌پروراند، نه امید رحمت را در سر؛ زیرا مقدمات کار را فراهم نکرده است و در این صورت، او مانند کشاورزی است که بدون شیار کردن زمین و بذرافشانی در آن منتظر محصول تازه است. از این رو، در قرآن «تمنّی» محکوم شده است: ﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي...﴾ (النساء/۱۲۳) (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۰۲).

۳-۲ از حیث زمان

بر اساس زمان نیز می‌توان آرزوها را به دو دسته مختلف که یکی متعلّق به گذشته (حسرت) و دیگری متعلّق به آینده تقسیم کرد. گاهی انسان آرزو می‌کند که به اموری در گذشته دست می‌یافت و چون محقق نشده است. در واقع، با نوعی حسرت از تباه شدن آن روبه‌رو است. در مقابل، ممکن است آرزوی دستیابی به اموری را داشته باشد که هنوز به وقوع نپیوسته و هیچ تضمینی برای وقوع آن در آینده نیز وجود ندارد. این نوع آرزوها نیز مورد تأیید قرآن و روایات نیست: ﴿وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! ﴿(الفرقان / ۲۷)؛ ﴿يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾ می‌گوید: ای کاش برای (این) زندگیم چیزی از پیش فرستاده بودم! ﴿(الفجر/۲۵).

۳-۳ از حیث متعلّق

منظور از متعلّق چیزی است که انسان به عنوان خواسته و خواهش، آرزوی رسیدن به آن را دارد. آرزو را از منظر قرآن بر اساس متعلّق خود به اقسامی تقسیم می‌کنیم. برخی از این اقسام عبارتند از: آرزوی پیوستن به پارسایان (الزّمر/۵۷)، آرزوی برگشت به دنیا و انجام اعمال شایسته (الزّمر/۵۷ و الأعراف/۵۳)؛ آرزوی نعمت (النساء/۳۲)، آرزوی ارتداد مسلمانان (البقره/۱۰۹)، آرزوی باطل (النساء/۱۲۰)، آرزوی دنیوی (البقره/۲۰۲)، آرزوهای دور و دراز (النساء/۱۱۹)، آرزوی خروج از عذاب جهنّم (غافر/۱۱)، آرزوی ظهور پیامبر اسلام (البقره/۸۹)، آرزوی عمر طولانی (البقره/۹۶)،

آرزوی دنیا یا همان دنیاطلبی (القصص/۸۰)، آرزوی ثروت قارون (القصص/۷۹)، آرزوی فاصله میان فرد و اعمال زشتش (آل عمران/۳۰)، آرزوی قدرت و اراده (هود/۸۰) و آرزوی مرگ (البقره/۹۴).

۴- عوامل ایجاد آرزوهای مذموم

- جهل از مرگ؛ پیامبر خدا (ص) فرمود: «مَثَلُ الْإِنْسَانِ وَالْأَمَلِ وَالْأَجَلِ فَمَثَلُ الْأَجَلِ إِلَى جَانِبِهِ وَالْأَمَلُ أَمَامَهُ فَبَيْنَمَا هُوَ يَطْلُبُ الْأَمَلَ أَمَامَهُ أَتَاهُ الْأَجَلُ فَاخْتَلَجَهُ: حكايت انسان، آرزو و اجل چنان است كه اجل در كنار اوست و آرزو پيشاپيش او، در حالي كه آرزو را پيش روي خود دنبال مي كند. ناگاه اجل فرا مي رسد و او را درمي ربايد» (ر.ك؛ المتقى الهندي، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۴۹۴). امام علي (ع) مي فرمايد: «لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَ مَصِيرَهُ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَ غُرُورَهُ: اگر بنده به اجل و رسيدن آن بنگرد، آرزو و فريب آن را دشمن مي دارد» (نهج/البلاغه/ ۵۳۴).

- شيفتگي به دنيا؛ امام علي (ع) مي فرمايد: «مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِثَلَاثٍ: هَمٌّ لَا يَغِيْبُهُ وَ حِرْصٌ لَا يَتْرُكُهُ وَ أَمَلٌ لَا يَدْرِكُهُ: آن كه دل به دنيا باخته باشد، سه بلا بر او وارد شود: اندوه، حرص دايم و آرزويي كه هرگز بدان نرسد» (همان/ ح ۲۲۸).

- جهل به آخرت؛ امام علي (ع) مي فرمايد: «مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هِمَّتَهُ بَلَغَ مِنَ الْخَيْرِ غَايَةَ أَمْنِيَّتِهِ: هر كه هم و غم او آخرت باشد، به نهايت آرزويش از خوبيها مي رسد» (تميمي آمدی، ۱۳۸۴؛ ح ۸۹۰۲).

- آخرت گريزي؛ در آيه ۹۴ از سوره بقره آمده است: «قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ: بگو: اگر آن (چنان كه مدعى هستيد)، سراي ديگر در نزد خدا مخصوص شماست نه ساير مردم، پس آرزوي مرگ كنيد، اگر راست مي گوييد».

- ظن به دوستي خدا؛ در آيه ۶ از سوره جمعه آمده است: «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ: بگو: اي يهوديان! اگر گمان مي كنيد كه (فقط) شما دوستان خداييد نه ساير مردم، پس آرزوي مرگ كنيد اگر راست مي گوييد (تا به لقاي محبوبتان برسيد)».

- رویارویی با نتیجه عمل خود؛ در آیه ۲۷-۲۵ از سوره حاقه آمده است: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيهِ * وَلَمْ أَذِرْ مَا حِسَابِيهِ * يَا لَيْتَنِي كَانَتِ الْقَاضِيَةَ﴾: اما کسی که نامه اعمال او را به دست چپش بدهند، می‌گوید: ای کاش هرگز نامه اعمال مرا را به من نمی‌دادند، * و نمی‌دانستم حساب من چیست! * ای کاش مرگم فرا می‌رسید!

آرزوی مذموم نتایج و ثمرات گوناگونی به شرح ذیل دارد:

- کوردلی؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «وَالْأَمَانِيُّ تَعْمَى أَعْيُنَ الْبَصَائِرِ: آرزوها چشم دیدن را کور می‌کند» (نهج‌البلاغه / ح ۲۶۷).

- کم‌خردی و غفلت؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «وَعِلْمُكُمْ أَنَّ الْأَمَلَ يَسْهَى الْعَقْلَ وَ يُنْسَى الذِّكْرَ: بدانید که آرزو خرد را به راه خطا می‌کشد و یاد را به فراموشی بدل می‌سازد» (همان / خ ۱۸۶).

- فراموشی آخرت؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسَى الْآخِرَةَ: و آرزوی دراز آخرت را به فراموشی می‌سپارد» (همان / خ ۴۲).

- بدکاری و گناهکاری؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلُ: هر که گرفتار آرزوی دراز شود، کارش بد می‌شود» (همان / ح ۳۶).

- قساوت قلب؛ رسول الله (ص) می‌فرماید: «كُونُوا مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذَرٍ فَمَنْ كَانَ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ غَدًا يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ أَبَدًا وَمَنْ كَانَ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ غَدًا يَقْسُو قَلْبُهُ وَيَرْغَبُ فِي الدُّنْيَا وَيَزْهَدُ فِيمَا لَدَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ: از خداوند برحذر باشید؛ زیرا کسی که آرزو دارد، فردا زنده بماند، آرزوی زندگی همیشگی را دارد و کسی که آرزوی زندگی فردا را داشته باشد، دلش سخت می‌شود و به دنیا راغب می‌گردد و به آنچه نزد پروردگارش عز و جل است، بی‌رغبت می‌شود» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۹۰).

- زندگی پررنج؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ اسْتَعَانَ بِالْأَمَانِيِّ أَفْلَسَ: هر که از رؤیایها کمک جوید، بی‌چیز می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۱۲).

- زندگی ذلت‌بار؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ تَبِعَ مَنَاهُ كَثُرَ غَنَاؤُهُ: هر که دنبال آرزوها و رؤیاهایش برود، رنجش بسیار می‌شود» (همان: ۱۱۲).

- محرومیت از رحمت خدا و نعمتها در آیه ۱۴-۱۳ از سوره حدید آمده است: ﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضَرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ * يُنَادُوهُمْ أَلَيْسَ لَكُنَّ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ: روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: نظری به ما بيفکنید تا از نور شما پرتوی بگرییم! به آنها گفته می‌شود: به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید! در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب! * آنها را صدا می‌زنند: مگر ما با شما نبودیم؟! می‌گویند: آری، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ پیامبر را) کشیدید و (در همه چیز) شک و تردید داشتید و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد!﴾.

- کفران نعمت؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «تَجَنَّبُوا الْمُنَىٰ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِهَجَةٍ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكُمْ وَ تُلْزِمُ اسْتِصْغَارَهَا لَدَيْكُمْ وَ عَلَى قَلَّةِ الشُّكْرِ مِنْكُمْ: از آرزوها [و توقعات] دوری کنید که آرزوها، شکوه نعمت‌های خداوند به شما را از بین می‌برند و آنها را در نظرتان کوچک می‌نمایند و به ناسپاسی از آنها می‌کشانند» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۱۰).

- تلف شدن امکانات؛ حضرت علی (ع) می فرماید: «ثَمَرَةُ الْأَمَلِ فُسَادُ الْعَمَلِ: ثَمَرَةُ آرزو تباه شدن عمل است» (همان: ۱۰۷).

- منع ایمان؛ در قرآن کریم می خوانیم: ﴿رَبُّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ * ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ: کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند،) چه بسا آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند! * بگذار آنها بخورند و بهره گیرند و آرزوها آنان را غافل سازد، ولی بزودی خواهند فهمید!﴾ (الحجر/۲-۳).

- موعظه ناپذیری؛ در قرآن کریم می خوانیم: ﴿ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ: بگذار آنها بخورند و بهره گیرند و آرزوها آنان را غافل سازد، ولی بزودی خواهند فهمید!﴾ (همان/۳).

بر آرزوهای مطلوب نیز آثاری مترتب است. امید و آرزو نسبت به آینده نیروی محرک انسان برای تلاش هاست و اگر چراغ پُرفروغ امید و آرزو در دل انسان خاموش گردد، در واقع، روح او می میرد و نشاط زندگی از او رخت برمی بندد و انسان را به موجودی سست و بی هدف و بی تلاش مبدل می کند.

۶- درمان آرزوی مذموم

در تعالیم اسلامی درباره درمان آرزو مذموم دستورهایی وارد شده است؛ از جمله اینکه درباره چند چیز اندیشه شود:

- اندیشه درباره خود و نقص ذاتی بشر. حضرت علی (ع) می فرماید: «مِسْكِينُ ابْنِ آدَمَ مَكْتُومُ الْأَجَلِ مَكْنُونُ الْعِلَلِ مَحْفُوظُ الْعَمَلِ تَوْلُمُهُ الْبَقَّةُ وَتَقْتُلُهُ الشَّرَقَّةُ وَتُنْتِنُهُ الْعَرَقَةُ: بینوا آدمیزاد! اجل او پوشیده است. بیماری هایش نهان [او در کمین] است. کردارش نگهداری می شود. پشه ای او را رنجه می سازد و جرعه ای گلوگیر او را می کشد. و عَرَقْ گندیده اش می کند» (نهج/البلاغه/ ح ۴۱۹).

- اندیشه درباره بی اعتباری دنیا؛ امام صادق (ع) فرمودند: «نمونه دنیا چونان آب شور دریا است. هر آنچه تشنه از آن بنوشد، به تشنگی او بیفزاید تا او را بکشد» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۹۷).

- اندیشه درباره اینکه این جهان محلّ زاداندوزی برای آخرت است. حضرت امام علی (ع) فرمودند: «إِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَخْلُقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ وَلَا مَحَلَّ قَرَارٍ وَإِنَّمَا جُعِلَتْ لَكُمْ مَجَازاً لِيَتَزَوَّدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ لِذَايِرِ الْقَرَارِ فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَارٍ وَلَا تَخْدَعَنَّكُمْ مِنْهَا الْعَاجِلَةُ وَلَا تَغُرَّنَّكُمْ فِيهَا الْفِتْنَةُ: دنیا آفریده نشده که برای شما سرای ماندن و جای آسودن باشد، بلکه گذرگاه شما قرار داده شده تا از آن برای سرای استقرارتان توشه اعمال نیک بردارید. پس، در دنیا همواره آماده باشید و زنهار که خوشی‌های زودگذر آن، شما را نفریبند و فریبندگی‌هایش شما را گول زند» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۸۱).

- اندیشه درباره اینکه حرص، راه سعادت نیست. امام علی (ع) می‌فرماید: «الْحِرْصُ مَوْقِعٌ فِي كَثِيرِ الْعُيُوبِ: حرص انسان را به عیب‌های زیادی مبتلا می‌کند» (همان: ۲۳۱).

- اندیشه و مطالعه درباره پیامدهای بسیار شوم آرزوی مذموم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۹۶). امام علی (ع) می‌فرماید: «إِعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِى الْعَقْلَ وَيُنْسِي الذِّكْرَ فَأَكْذِبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَصَاحِبُهُ مَغْرُورٌ: بدانید که آرزو، خرد را دچار غفلت می‌سازد و فراموشی [مبدأ و مقصد] می‌آورد. پس آرزو را دروغگو دانید که آرزو فریبنده است و آرزومند فریب خورده» (نهج/البلاغه/خ ۸۶).

گفتیم آرزو عبارت است از خواهش یا چشم‌داشت و میل قلبی شدید برای وقوع امری در گذشته یا آینده که تحقق آن سخت یا ناشدنی است، اما غالباً مردم از آرزوهای خود لذت می‌برند و با خیال‌بافی وضع مطلوب را در عالم ذهن خود به جای واقع می‌نشانند. گاه تأثیر این آرزوها به اندازه‌ای است که در استدلال‌ها و استنباط‌های شخص نیز تأثیر می‌گذارد؛ یعنی فرد مطلبی را تنها به این دلیل ادعا می‌کند یا می‌پذیرد که دوست دارد چنین باشد، نه به خاطر اینکه دلیلی بر آن اقامه شده است و نه اینکه واقعاً چنان است. این قسم آرزواندیشی است. هنگامی که خبر وفات پیامبر اکرم (ص) به برخی رسانده شد. آنان خبر را انکار کردند و حاضر به پذیرش مرگ پیامبر (ص) نشدند و گفتند محمد (ص) زنده است و نمی‌میرد، اما بعضی دیگر با استناد به این آیه، «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَبْتُونٌ: قطعاً تو خواهی مُرد و آنان [نیز] خواهند مُرد» (الزمر/۳۰) ایشان را متقاعد کردند. در قرآن کریم یکی از بارزترین نمونه‌های آرزواندیشی آیه‌ای است که در آن یهودیان و ترسایان مدّعی شدند که هرگز کسی به بهشت درنیاید، مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد. قرآن درباره این

ادّعی می‌گوید: ﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ...﴾ آنها گفتند: هیچ کس جز یهود یا نصاری هرگز داخل بهشت نخواهد شد. این آرزوی آنهاست! ﴿(البقره/۱۱۱)﴾.

صریح‌ترین بیان در قرآن در ردّ آرزواندیشی و این گمان باطل که کسی ندارد که چون چیزی را خوش دارد، پس محقق است یا محقق خواهد شد، آیه ﴿أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى﴾: یا آنچه انسان تمنا دارد به آن می‌رسد؟! ﴿(النجم/۲۴)﴾ است. قرآن مجید در آیه دیگری به منظور ردّ آرزوی باطل مشرکان درباره پاداش و کیفر می‌فرماید: ﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾: (فضیلت و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست، هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود و کسی را جز خدا، ولی و یاور خود نخواهد یافت ﴿(النساء/۱۲۳)﴾.

نتیجه‌گیری

- ۱- آرزو لازمه ادامه حیات است.
- ۲- آرزو در سایه امامت عقل سازنده می‌شود.
- ۳- برترین آرزو طلب خداوند است و این سیر مورد تأیید خداوند است: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ (محمد/۷).
- ۴- آرزوهای مورد نکوهش در قرآن و روایات، آرزوهایی است که به دلیل متصل نبودن به یک هدف متعالی پایانی برای آن متصور نیست و آدمی را گرفتار غفلت می‌کند.
- ۵- ابتلای انسان به آرزوهای مذموم ریشه در جهل نسبت به مرگ و آخرت، ظنّ به دوستی با خداوند، رویایی با نتیجه عمل خود و وحشت از سختیها و ظاهربینی او دارد. در این میان، جهل نسبت به مرگ و معاد عامل مؤثرتری است.
- ۶- آرزوهای مذموم انسان را گریبانگیر آفاتی چون کوردلی و غفلت، آلودگی به گناه، قساوت قلب، فراموشی آخرت و در نهایت، محرومیت از رحمت خداوند می‌کند. محرومیت از رحمت خداوند سایر تبعات را به دنبال خواهد داشت.
- ۷- اندیشیدن انسان به نیازمندی‌های واقعی که پوشاننده نقص‌های وجودی اوست و بی‌اعتباری دنیا از راه‌های درمان آرزوهای مذموم است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم. ترجمه آیه الله ناصر مکارم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۳). *کمال الدین و تمام النعمه*. جلد ۱. قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۸۴). *تحریر الحکم و ذکر الکلم*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). *تسنیم*. تهران: خانه کتاب.
- _____ . (۱۳۸۹). *حیات حقیقی انسان در قرآن*. قم: انتشارات تابان.
- _____ . (۱۳۷۸). *مراحل اخلاق در قرآن*. جلد یازدهم. قم: مرکز نشر اسراء.
- _____ . (۱۳۷۸). *معاد در قرآن*. قم: مرکز نشر اسراء.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۸). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: نشر دیوان.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۶). *المیزان*. جلد پانزدهم. تهران: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی.
- قرائتی، محسن. (۱۳۷۵). *پرتوی از نور*. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۹۰). *اصول کافی*. تهران: دارالتحقیق.
- المتقی الهندی، علی بن حسام الدین. (۱۴۰۹ ق.). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۵). *فرهنگنامه آرزو*. قم: دارالحديث.
- _____ . (۱۳۷۹). *میزان الحکمه*. قم: دارالحديث.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). *حکمتها و اندرزها*. تهران: انتشارات صدرا.
- _____ . (۱۳۷۳). *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن کریم*. قم: انتشارات امام علی ابن ابی طالب (ع).
- _____ . (۱۳۸۶). *برگزیده تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتاب اسلامی.
- مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۸۹). *مثنوی معنوی*. تهران: امیرکبیر.
- موسوی لاری، مجتبی. (۱۳۷۶). *رسالت اخلاق در تکامل انسان*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیّه.